

U.S. Containment Strategy and the Expansion of China's International Presence through the Belt and Road Initiative

Ahmad Javid Kamal Yar PhD Student in International Relations, Department of International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: kamalyar222@gmail.com

Saeed Mirtorabi Corresponding Author, Associate Professor of International Relations, Department of International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: saeedmirtorabi@gmail.com

Mohammad Vali Modarres Assistant Professor of International Relations, Department of International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: mvmodarres@khu.ac.ir

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

United States,
China,
Pivot to Asia Strategy,
Belt and Road Initiative,
Neoclassical Realism

ABSTRACT

Since 2013, China has announced and advanced the largest infrastructure and development project in the world, known as the Belt and Road Initiative. Various perspectives have been presented regarding China's motivations and objectives in entering this unprecedented global megaproject in terms of scope and scale. One less-discussed idea that this article explores is the impact of the U.S. pivot to Asia strategy on the expansion of China's designing its international program under the Belt and Road Initiative. In this context, the main question based on the descriptive-explanatory method of the article is: how has the announcement of the U.S. pivot to Asia strategy influenced the perceptions and calculations of China's new leadership in designing a more proactive international policy? The hypothesis tested is that "the announcement of the U.S. pivot to Asia strategy, while reinforcing the perception of the threat of China's encirclement, prompted Beijing's new leadership to expand its currently designing international strategy in the form of the Belt and Road Initiative, in order to indirectly counter this threat and ensure the continuity of China's rise in the international arena." The findings of the article indicate that, had the U.S. pivot to Asia strategy not been announced, China's new leaders would likely have pursued less ambitious programs in their surrounding environment instead of proposing the Belt and Road Initiative..

Cite this Article: Kamal Yar, A. J. , mirtorabi, S. and Modares, M. V. (2025). U.S. Containment Strategy and the Expansion of China's International Presence through the Belt and Road Initiative. *International Relations Researches*, 14(4), 63-88. doi: 10.22034/irr.2025.491459.2635



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2025.491459.2635



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

راهبرد مهار آمریکا و گسترش حضور بین‌المللی چین در قالب ابتکار کمربند و راه

احمد جاوید کمال یار دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

رایانامه: kamalyar222@gmail.com

سعید میرترابی نویسنده مسئول، دانشیار روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

رایانامه: saeedmirtorabi@gmail.com

محمد ولی مدرس استادیار روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

رایانامه: mvmodarres@khu.ac.ir

درباره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی کلیدواژه‌ها: ایالات متحده، چین، راهبرد چرخش به آسیا، ابتکار کمربند و راه، رئالیسم نوکلاسیک تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰	چین از سال ۲۰۱۳ بزرگترین پروژه زیرساختی و توسعه‌ای در سطح جهان را با عنوان ابتکار کمربند و راه اعلام کرده و پیش برده است. درباره انگیزه‌ها و اهداف چین در ورود به ابرپروژه‌ای که از نظر گستره و ابعاد در سطح جهان بی‌سابقه است، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. ایده کمتر بحث شده‌ای که مقاله حاضر دنبال می‌کند، تأثیر راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده در گسترش بخشیدن به برنامه بین‌المللی در حال طراحی چین در قالب ابتکار کمربند و راه است. در همین راستا، پرسش اصلی مبتنی بر روش توصیفی - تبیینی مقاله این است که اعلام راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده، چگونه بر ادراک و محاسبات رهبری جدید چین برای طراحی یک سیاست فعال تر بین‌المللی تأثیر گذاشته است؟ پاسخی که به عنوان فرضیه مورد آزمون قرار گرفته این است که «اعلام راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده، ضمن تقویت ادراک تهدید محاصره شدن چین، رهبری جدید پکن را بر آن داشت تا راهبرد بین‌المللی در حال طراحی خود را به گونه‌ای در قالب ابتکار کمربند و جاده گسترش دهند تا ضمن مقابله غیرمستقیم با تهدید مذکور، روند استمرار خیزش قدرت چین در عرصه بین‌المللی را تضمین کند». یافته مقاله حاکی از آن است که در صورت عدم اعلام راهبرد چرخش به آسیا، رهبران جدید چین به جای طرح ابتکار کمربند و راه، احتمالاً برنامه‌های کم دامنه تری را در محیط پیرامونی خود دنبال می‌کردند.

استناد به این مقاله: کمال یار، احمد جاوید، میرترابی، سعید و مدرس، محمد ولی. (۱۴۰۳). راهبرد مهار آمریکا و گسترش حضور بین‌المللی چین در قالب ابتکار کمربند و راه. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۴)، ۶۳-۸۸. doi: 10.22034/irr.2025.491459.2635

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل





مقدمه

ابتکار احیای جاده ابریشم چین که اکنون به طور رسمی ابتکار کمربند و جاده نامیده می شود، در سال ۲۰۱۳ توسط رئیس جمهور چین، شی جین پینگ، اعلام گردید. امروز این ابتکار به عنوان بزرگ ترین پروژه زیرساختی جهان، جایگاهی محوری در سیاست خارجی چین پیدا کرده است. این ابتکار در دغدغه و رویکردهای ملی، منطقه ای و جهانی پکن ریشه دارد که حمل و نقل زمینی و دریایی را با سرمایه گذاری بزرگ تحت پوشش قرار می دهد و چین را به اروپا، آفریقا و منطقه وسیع تر آسیا - اقیانوسیه متصل می نماید. هدف این ابتکار به طور رسمی، تسهیل همکاری میان چین و کشورهای شریک در عرصه های زیرساخت، تجارت، امور مالی، فناوری و پیوندهای فرهنگی اعلام شده است تا بتواند در یک چارچوب برد-برد، منافع کشورهای شریک و چین را تأمین کند. با این حال با عنایت به روند رو به خیزش قدرت چین در عرصه بین المللی و ابعاد و گستره عظیم ابتکار و ماهیت سرگشاده آن، تفسیرهای مختلفی درباره انگیزه های چین در اعلام و پیشبرد این ابرپروژه مطرح شده است. برخی بر این نظرند که چین انگیزه ی اقتصادی دارد و در پی دسترسی به بازارهای جهانی و امنیت انرژی است، اما تعدادی دیگر معتقدند که، علاوه بر انگیزه ی اقتصادی، انگیزه ی ژئوپلیتیکی پشت این طرح به منظور گسترش حوزه های نفوذ چین نیز مد نظر است. شماری دیگر نیز نیازهای اقتصادی و سیاسی داخلی چین را در پیشبرد این ابتکار دخیل می دانند. واقعیت این است که همه این ایده ها می تواند درباره انگیزه های طرح ابتکار کمربند و جاده تا اندازه ای درست باشد و آثار فراوانی نیز برای ترسیم انگیزه های مختلف چین در پیگیری ابرپروژه مذکور منتشر شده است. با این حال مقاله حاضر تلاش دارد از یک منظر که کمتر مورد توجه قرار گرفته است ابتکار کمربند و راه چین را مورد بررسی قرار دهد. به این معنا که بررسی کند رهبری چین در چه شرایطی و بر مبنای چه برداشتی از شرایط نظام بین المللی و ابزارها و منابع در دسترس کشورشان، پیشبرد بزرگترین طرح زیرساختی جهان را اعلام کردند.

این موضوع از این نظر اهمیت دارد که چین حدود سه دهه راهبرد کم فروغ ماندن در عرصه بین المللی را پیش برده بود و طرح یک ابتکار بلندپروازانه بین المللی به معنای درگیر شدن گسترده منابع مالی، سیاسی، فنی و تولیدی این کشور در محیط پیرامونی اش محسوب می شد. این کار همچنین پیام عدول چین از راهبرد پیروی از قواعد و کم فروغ ماندن را به بازیگران بین المللی و به ویژه ایالات متحده منتقل می کرد. ضمن اینکه در بستر زمانی اعلام ابتکار مذکور، دو تحول بسیار مهم و به هم مرتبط یکی در داخل چین و دیگری در محیط پیرامونی این کشور رخ داده بود. تحول اول این بود که نسل پنجم رهبری



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



متحدۀ آمریکا در قبال ابتکار کمربند و جاده چین به‌خصوص در زبان انگلیسی به‌نگارش درآمده است. با این وجود، درمورد تأثیر راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحدۀ بر اعلام ابتکار احیای جاده‌بریشم چین مطالعات مستقل چندانی صورت نگرفته و در منابع فارسی نیز چنین ایده‌ای مورد بحث قرار نگرفته است. در ادامه به‌شماری از منابع که به موضوع مورد بحث مقاله ارتباط دارند اشاره می‌شود.

در مقاله «رویکرد ایالات متحدۀ آمریکا در قبال ابتکار کمربند راه در پرتو راهبرد کلان آمریکا در قبال چین (۲۰۱۳-۲۰۲۰)» نویسندگان بر این باورند که، شناخت رویکرد و الگوی رفتاری ایالات متحدۀ در برابر ابتکار کمربند و جاده چین، محورها و ابعاد مهمی از روابط و تعاملات متقابل واشنگتن و پکن را نمایان می‌کند. مقاله نشان می‌دهد که، ایالات متحدۀ ابتکار کمربند و جاده چین را تلاشی برای تقویت نفوذ ژئوپلیتیکی چین در سطوح منطقه‌ای هند - اقیانوس آرام و جهان می‌داند که با منافع ایالات متحدۀ در سطح منطقه و جهان در تعارض قرار دارد و آمریکا الگوی تقابل و رقابت را در برابر این ابتکار دنبال کرده و استراتژی کلان این کشور در این بازه‌ی زمانی در قبال چین از استراتژی مبتنی بر همکاری و رقابت به استراتژی مبتنی بر تقابل و رقابت تغییر یافته است (اشرفی و شیخ‌الاسلامی، ۱۴۰۲).

مقاله «تحلیل چرخش ایالات متحدۀ به آسیا و تعادل مجدد جهانی چین از طریق ابتکار کمربند و جاده» بر روی سیاست چرخش به آسیا و ابتکار کمربند و جاده به‌عنوان دو پارادایم رقیب که روابط ایالات متحدۀ و چین را در نظام منطقه‌ای و جهانی تعریف می‌کند، تمرکز دارد و براین فرض استوار است که یک رابطه دیالکتیکی بین چین و آمریکا وجود دارد که از طریق راهبرد چرخش به آسیا و ابتکار کمربند و جاده آشکار می‌شود. این مقاله خطوط هردو استراتژی را درچارچوب نظریه ثبات هم‌زمانیک بررسی کرده تا رفتار ایالات متحدۀ به‌عنوان ابرقدرت جهان و چین به‌عنوان قدرت درحال ظهور را بررسی کند. این پژوهش در پرده‌برداری از تجدیدنظر استراتژیک ایالات متحدۀ در اقیانوس هند و آرام، اتحاد این کشور با بازیگران منطقه‌ای به‌منظور مهار چین و مقابله پکن با این راهبرد از طریق ارائه مشوق‌های اقتصادی و پروژه‌های توسعه‌ای، کمک می‌کند (Ishaque, 2022). با این همه مقاله پیوند اولیه‌ای میان راهبرد چرخش به آسیای آمریکا و ابتکار کمربند و راه چین برقرار نکرده است.

نویسندگان یک گزارش تحلیلی با عنوان «پیامدهای کمربند و جاده‌ی چین برای ایالات متحدۀ» بر این نظرند که، چین می‌خواهد از طریق این ابتکار، ثروت انباشته شده‌ی خود را به‌کار انداخته و جهت تجارت جهانی را از سمت ایالات متحدۀ و اروپای غربی به‌سمت چین سوق دهد. گزارش مدعی است این ابتکار چین را قادر می‌سازد تا از طریق تله‌بدهی، فناوری چینی و استانداردهای ترجیحی برای



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

رنالیسم نئوکلاسیک که توسط گیدئون رُز^۱ به مجموعه از آثاری در عرصه روابط بین‌الملل اطلاق می‌شود که در توضیح سیاست خارجی و فراتر از آن، در تبیین روابط بین‌الملل از تعداد زیادی مؤلفه‌های رنالیسم استفاده کرده است. بر خلاف نئورنالیست‌ها آنها فقط به عوامل سیستمی توجه ندارند، بلکه بر این نظرند که ساختار داخلی کنشگران و برداشت‌ها و ادراکات ذهنی رهبران هم‌چنان حائز اهمیت می‌باشد و لزوماً به سطوح مختلف تحلیل تأکید می‌نمایند و در عین حال آنها آنا‌رشی را نیز مهم می‌پندارند (مشیرزاده، ۱۳۹۳: ۱۲۹). نظریه‌پردازان رنالیسم نئوکلاسیک این مفروضه رنالیسم که در نظام آنا‌رشیک بین‌الملل امنیت تنها هدف دولت‌ها است را رد کرده و به جای آن بر این نظرند که کنشگران کوشش می‌کنند تا از طریق بیشینه‌سازی قدرت خود، سیستم بین‌الملل را به طرف ترجیحات و اهداف خود سمت‌وسو بدهند. برای اساس کشورهایی که قدرت بیشتری در صحنه بین‌المللی دارند، سیاست خارجی بلندپروازانه‌تری را تعقیب می‌کنند (Rose, 1998: 155-156). رنالیسم نئوکلاسیک یک تحلیل چندسطحی است و سه سطح را در تحلیل سیاست خارجی کشورها مؤثر می‌داند. در بخش اول، سطح سیستمیک و کلان را تحلیل و تجزیه می‌نمایند و آن را به عنوان متغیر مستقل محسوب می‌کنند. بعد از آن سطح واحد یا مؤلفه‌های داخلی کشورها را بررسی و ارزیابی می‌کنند و آن را متغیر میانجی به حساب می‌آورند و سرانجام با ادغام عوامل و متغیرهای خارجی و داخلی، تحلیل مناسب و کامل از سیاست خارجی کشورها به عنوان متغیر وابسته ارائه می‌دهند (Shweller and Priess, 1997: 4-5).

نئوکلاسیک‌ها قبل از سایر متغیرها به توزیع قدرت نسبی، سیستم آنا‌رشیک بین‌المللی و بی‌اعتمادی فزاینده در روابط بین‌الملل توجه دارند (Rose, 1998: 146). نئوکلاسیک‌ها استدلال می‌کنند که جاه‌طلبی یک کشور از مؤلفه‌های قدرت نسبی ریشه می‌گیرد، بخاطر اینکه این قدرت نسبی فشارهای سطح سیستمی، ساختار دولت و روابط متغیرهای مداخله‌گر یا سطح داخلی مثل تصورات و ادراکات تصمیم‌سازان را، دگرگون می‌نماید (Rathburn, 2008: 295). نخبگان سیاسی در تدوین و اجرای سیاست خارجی به بررسی وقایع و تهدید و یا فرصت و چالش شمردن آنها می‌پردازند و این فرصت‌ها یا تهدیدها، از فیلتر تصورات و ادراکات رهبران کشورها می‌گذرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۸۰-۲۸۱). آنها تحولات احتمالی در توزیع قدرت یا نیت دیگران را تشخیص می‌دهند و در عرصه سیاست خارجی انتخاب گزینه‌بهتر از میان گزینه‌های مختلف، وظیفه رهبران و ناشی از تصورات آنها است (سلیمی و ابراهیمی،

¹ Gideon Rose



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۳- تحلیل فرضیه:

۳-۱ متغیر سطح سیستمی: راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده

نئوکلاسیک‌ها سطح سیستمی و فشارهای نظام بین‌الملل را بر رفتار سیاست خارجی کشورها موثر می‌دانند. بر این مبنا می‌توان گفت اعلام ابتکار احیای جاده ابریشم چین تا اندازه زیادی در پاسخ به فشارهای سطح سیستمی و تحولات نظام بین‌الملل صورت گرفته است. استراتژی چرخش به آسیا در ۱۷ نوامبر ۲۰۱۱ توسط بارک اوباما هنگام سخنرانی در پارلمان استرالیا، اعلام گردید. وی از تغییر سیاست خارجی آمریکا از خاورمیانه به آسیا - پاسیفیک خبر داد. وی تاکید کرد که «ایالات متحده نقش گسترده‌تر و بلندمدتی را در تغییر شکل این منطقه و آینده آن با حفظ قواعد بنیادین و مشارکت نزدیک با متحدان خود ایفا خواهد کرد» (White House, 2011). همچنین در همین سال، هیلاری کلinton، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، بیانیه‌ی «قرن پاسیفیک آمریکا» را منتشر کرد. بیانیه او به‌درستی و به‌طور رسمی‌تر راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده را توضیح داد. وی تبیین کرد که با تغییر در اولویت‌های منطقه‌ای واشینگتن، آینده سیاست در آسیا - پاسیفیک تعیین می‌شود نه در افغانستان یا عراق، و این منطقه دقیقاً در مرکز نگرش‌های ایالات متحده آمریکا قرار خواهد داشت. همچنین کلinton، این منطق را بیان کرد که «همان‌طور که آسیا برای آینده آمریکا حیاتی است، آمریکای متعهد نیز برای آینده آسیا حیاتی است» (Clinton, 2011). منطقه هند و اقیانوس آرام به عنوان مرکز ثقل آینده‌ی اقتصادی جهان پیش‌بینی شده است. ایالات متحده با درک ظرفیت‌های گسترده‌ی این منطقه، متعهد به تجدید تعامل و تمرکز بر این منطقه شده است (Wang, 2016: 81). راهبرد چرخش به آسیا، با استقرار روابط استثنایی دیپلماتیک و نظامی آمریکا با اکثر کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای به حرکت افتاد (Bower et al, 2015). هیلاری کلinton منطقه هند و اقیانوس آرام را به‌عنوان «نقطه تکیه‌گاه» برای ایجاد تعاملات جامع چندجانبه امنیتی و اقتصادی بلندمدت و پایدار با کشورهای منطقه، در هماهنگی با دیپلماسی حاکم و روبه‌توسعه میان آمریکا و کشورهای منطقه، توصیف کرد (Clinton, 2010). بر همین مبنا می‌توان گفت راهبرد چرخش به آسیا، تغییراتی جدی در آرایش قدرت آمریکا و کشورهای متحد آن به این شرح ایجاد کرد:

۳-۱-۱ جلوگیری از سواری مجانی چین از امنیت آمریکایی محور خاورمیانه: چین طی سال‌های پیش از این راهبرد، برای ارتقا و حفظ منافع اقتصادی و تأمین منابع انرژی خود، بر امنیت آمریکایی محور



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



در منطقه است (چگینی زاده و رضوی، ۱۴۰۲: ۱۴). بروز رخدادهای بی ثبات کننده موسوم به بهار عربی چین را از منظر بروز بی ثباتی در منطقه نفت خیز خاورمیانه غافلگیر کرد. لو شایه، مدیر کل اداره امور آفریقایی وزارت خارجه چین، در همین راستا ابراز نگرانی کرد که این وضع ممکن است در نهایت دسترسی پکن به نفت و گاز را محدود کند. از این رو، در مطبوعات چین موضعی منتشر شد که خواستار تغییر در موضع سنتی عدم مداخله در سیاست خارجی چین بودند (Shai, 2012; Junbo, 2011).

به نظر می رسد چین با عقب رفتن تدریجی آمریکا از خاورمیانه تلاش کرده است تهدید ناشی از خلاء قدرت در منطقه را با حضور پررنگ تر خود در عرصه های مختلف و به ویژه در بخش انرژی مدیریت کند. همراه با افزایش واردات انرژی، چین به طور چشمگیری صادرات کالا و سرمایه خود به خلیج فارس را افزایش داد و در سال ۲۰۱۸ به شریک تجاری اصلی این منطقه تبدیل شد و اتحادیه اروپا را پشت سر گذاشت. روند مشابهی در سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین مشاهده می شود که به تنوع اقتصادی این منطقه کمک کرده است. چین و کشورهای خلیج فارس در بیش از ۲۰۰ پروژه بزرگ ساختمانی همکاری کرده اند، از جمله تأسیسات ذخیره سازی انرژی برای پروژه های شهری جدید در سواحل دریای سرخ در عربستان سعودی و نیروگاه خورشیدی ال ذفرا در امارات متحده عربی. تا پایان سال ۲۰۲۳، بانک توسعه چین از ۹۹ پروژه حمایت کرده و وام هایی به ارزش بیش از ۱۷ میلیارد دلار به کشورهای عربی ارائه داده است (China Development Bank, 2023). در حرکتی که اوج جدیدی از روابط چین با خلیج فارس را نشان می دهد، شی جین پینگ در دسامبر ۲۰۲۲ به عربستان سعودی سفر کرد و در اولین اجلاس سران چین و کشورهای عربی و اولین اجلاس شورای همکاری خلیج فارس شرکت نمود. در مارس سال ۲۰۲۳ نیز حلقه دیگر تلاش های چین برای مدیریت چالش های منطقه نفت خیز خلیج فارس با میانجی گری میان ایران و عربستان برای امضای یک پیمان همکاری پس از سال ها رقابت پرهزینه آشکار گردید.

۳-۱-۳- استقرار مجدد بخش بزرگ نیروهای نظامی آمریکا در هند - اقیانوس آرام: انتقال بخش مهمی از تجهیزات و دارایی های نظامی و لجستیکی به منطقه ی هند - اقیانوس آرام و پیشبرد راهبرد مهار و محاصره چین به شکلی بی سروصدا از اهداف مهم واشینگتن محسوب می شود. این موضوع شامل جابه جایی تجهیزات نظامی از عراق و افغانستان به منطقه ی هند - اقیانوس آرام نیز می شود. راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده، دو پایه ی اساسی دارد، پایه ی نظامی این راهبرد این بود که ۶۰ درصد کل نیروی دریایی آمریکا تا سال ۲۰۲۰ در اطراف چین متمرکز شود و پایه ی سیاسی آن حمایت از قدرت های



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



چرخش به آسیا، حضور نظامی از پیش موجود ایالات متحده در منطقه، به شدت تقویت شد. به نوشته جیمز برادلی نویسنده‌ی کتاب سراب چین، «اگر شما بالای بلندترین ساختمان در پکن بروید و از آن بالا به اقیانوس آرام نگاه کنید، می‌توانید ناوهای آمریکایی را ببینید؛ می‌بینید که جزیره گوام دارد غرق می‌شود از بس موشک‌های سنگین آمریکایی که در آن مستقر است و به‌سوی چین نشانه رفته‌اند؛ می‌توانید به کره نگاه کنید و ببینید چه میزان تسلیحات آمریکایی، چین را نشانه گرفته‌اند؛ در ژاپن نیز وضع به همین شکل است» (Bradley, 2015: 135-137). در همین راستا، حضور نظامی آمریکا و کشورهای متحد آن از آسیای شمال شرقی تا جنوب شرق آسیا، یعنی در محیط پیرامونی چین به شدت تقویت شد (Castro, 2018: 265).

۴-۳-۴ تلاش برای تجدید حیات اقتصادی و تجاری آمریکا در منطقه: راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده آمریکا، توسعه نفوذ اقتصادی این کشور در حوزه هند - اقیانوس آرام را نیز مد نظر قرار داده است. ایجاد سازوکارهای اقتصادی و تجاری چون موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد فراپاسیفیک که به عنوان مؤلفه‌ی مهم و ستون اقتصادی و تجاری راهبرد بازگشت به آسیای ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شد (Castro, 2018: 268). با این حال این موافقت‌نامه که در دولت اوباما با کشورهای منطقه امضا شد در دولت ترامپ مورد بازنگری قرار گرفت و ایالات متحده از آن خارج گردید. (Muni and Chadha, 2014: 10-11).

فراتر از موافقت‌نامه مذکور، دولت آمریکا تلاش‌های اقتصادی دیگری را برای تقویت حضور اقتصادی در منطقه مد نظر قرار داده است هرچند هیچ‌کدام به اندازه آن قابل توجه نیستند و عملاً چین در عرصه اقتصادی به ویژه با محوریت قرار دادن ابتکار کمربند و راه و ارائه طیف گسترده‌ای از مشوق‌های همکاری اقتصادی و سرمایه‌گذاری، از ایالات متحده پیش افتاده است. در دولت اوباما، بانک صادرات و واردات ایالات متحده، توافق‌نامه‌های جدیدی را برای تسهیل تأمین مالی با دولت‌های برونئی، هند، اندونزی، فیلیپین و ویتنام امضا کرد. از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، این بانک به ارزش ۳۲.۶ میلیارد دلار صادرات به آسیا تأمین مالی کرد که تقریباً یک‌چهارم کل معاملات آن در این دوره زمانی است (U.S. Department of Commerce, 2015). از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵، تجارت کالایی ایالات متحده با آسیا، ۲۳.۶ درصد افزایش یافت و از ۱.۱۸ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۰ به ۱.۴۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۵ رسید (Leeman, 2016: 7). با روی کار آمدن دولت ترامپ، رویکرد دولت آمریکا از توافق چندجانبه به همکاری‌های دو جانبه با کشورهای منطقه تغییر پیدا کرد. ترامپ خاطرنشان کرد که آمریکا به توافق‌های



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پیوندهای علمی و فرهنگی آمار حاکی از آن است که بیش از دو سوم دانشجویان بین‌المللی در ایالات متحده از منطقه هند-پاسفیک هستند (U.S. Embassy and Consulates in Indonesia, 2024).

با این وجود، باید توجه داشت که در چارچوب نظریه رئالیسم نئوکلاسیک، برداشت و فهم تصمیم‌سازان در چین از سیاست چرخش به آسیای ایالات متحده فراتر از اهدافی که ایالات متحده از اعلام آن در نظر داشت، اهمیت بسزایی دارد. زیرا رهبران چین بر اساس ادراکات ذهنی و تفسیرشان از سیاست‌های ایالات متحده در آسیا، تصمیم گرفتند به راهبرد مذکور واکنش نشان دهند. بنابراین، در ادامه به برداشت و ادراکات نخبگان سیاسی چین از راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده و حرکت این کشور در مسیر بسیج منابع داخلی برای مقابله با تهدید ادراک شده، می‌پردازیم.

۲-۳- متغیر سطح واحد: برداشت رهبران پکن از راهبرد چرخش به آسیای آمریکا

در این زمان، ادراکات و تصورات نخبگان سیاسی پکن از وضعیت داخلی کشورشان این بود که، استمرار رشد اقتصادی و انباشت قدرت مادی بیش از پیش چین، این کشور را به بازارهای خارجی برای تأمین منابع اولیه به‌ویژه در حوزه انرژی، وابسته کرده است. همچنین با استمرار تقویت توان تولیدی کشور، نیاز به بازارهای بیرونی نیز بیشتر شده است و چین چاره‌ای جز این ندارد که از سیاست کم فروغ ماندن فاصله بگیرد و رویکرد فعال‌تری را برای کمک به استمرار انباشت قدرت خود در عرصه بین‌المللی به کار بندد. چرا که استمرار رشد اقتصادی کشور هر چه بیشتر به توانایی حضور و صادرات به بازارهای خارجی متکی شده است. در این شرایط، چین هر چه بیشتر به تجارت دریایی و مسیرهای دریایی برای واردات مواد خام و انرژی و صادرات کالاهای خود متکی شده بود. این در حالی بود که عموم مسیرهای دریایی در کنترل ایالات متحده به عنوان ابرقدرت جهانی قرار داشت و این کشور از طریق استراتژی چرخش به آسیا به شکل آرام و بی سروصدا تلاش می‌کرد چین را در محاصره خودش درآورد. ضمن اینکه تأمین مواد خام و منابع انرژی در محیط پیرامونی غربی چین نیز با چشم اندازی از ابهام و بی ثباتی روبرو بود.

بدین ترتیب بود که راهبرد چرخش به آسیای آمریکا، تهدیدی بسیار جدی برای خیزش قدرت چین تلقی گردید. براین اساس، ایالات متحده آمریکا با ایجاد روابط وسیع نظامی و امنیتی با کشورهای آسیای شرقی در صدد منزوی ساختن و مهار چین بود تا از این طریق ترتیبات امنیتی منطقه و محاسبات قدرت را در راستای منافع و اهداف واشنگتن و متحدین آن در منطقه شکل دهد (درج و بصیری، ۱۴۰۰: ۲۴۳). براساس دیدگاه رهبران پکن، منطقه آسیا - پاسفیک در هیچ دوره‌ای تا این اندازه در نقطه عطف



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۲-۳- گزینه های پکن برای فعال تر شدن در عرصه بین المللی پیش از اعلام راهبرد مهار آمریکا

پس از موفقیت چشمگیر چین در مقابله با بحران مالی و اقتصادی سال ۲۰۰۸، سیاست‌گذاران چینی شروع به بررسی این مساله کردند که آیا بانک‌های کشور می‌توانند این مدل محرک اقتصادی را به خارج صادر کنند یا خیر؟ در همین زمان، جاستین ییفو لین^۱، اقتصاددان نام‌آور دانشگاه پکن، خواهان آن شد که چین برای مقابله با پیامدهای منفی بحران مالی و اقتصادی جهانی، منابع ارزی خود را در قالب بسته‌های محرک اقتصادی در بازارهای خارجی سرمایه‌گذاری کند. وی یادآور شد که اتکای اقتصاد چین به صادرات به‌عنوان موتور رشد اقتصادی، مستلزم این است که بازارهای کشورهای پیشرفته از حالت رکود خارج شوند و بار دیگر بتوانند کالاهای چینی را خریداری کنند در غیر این صورت خود چین نیز گرفتار خواهد شد. در عین حال پیشنهاد لین این بود که منابع مالی چین از طریق نهادهای چندجانبه مانند گروه بیست ارائه شود. وی هشدار داد که در این مقطع صحبت کردن از موفقیت الگوی چینی رشد و توسعه اقتصادی بی‌مورد است و خود چین نیز ممکن است در صورت عدم احیای رشد اقتصادی جهانی، با مشکل رکود روبرو شود. بنابراین حرکت در مسیر اجرای یک طرح مارشال جدید توسط چین لازم است. سه سال قبل از این نیز یک مقام ارشد حزبی در چین به نام شانداکسو، ایده اجرای یک برنامه مارشال چینی برای صادرات ظرفیت‌ها و سرمایه اضافی چین را مطرح کرده بود. وی نیز خواهان آن شده بود که برای اینکه غرب در قبال این اقدام چین موضع تدافعی نگیرد، از نهادهای چندجانبه موجود برای سرمایه‌گذاری منابع مالی چین استفاده شود (Freyman, 2021: 40).

با این حال در عمل این پیشنهادها به چند دلیل مورد قبول رهبری چین واقع نشد. به‌طور کلی از منظر روایت حزب کمونیست، برنامه مارشال ایالات متحده، یک طرح هژمونیک برای تثبیت رهبری این کشور محسوب می‌شد و در صورتی که خود چین نیز طرحی مشابه را اعلام می‌کرد به معنای پیگیری پروژه‌ای هژمونیک از جانب رهبری در پکن برداشت می‌شد و حتی ممکن بود سوءتفاهم‌های دوران جنگ سرد را دوباره زنده کند. همچنین این پیشنهاد، آن‌گونه که چینی‌ها انتظار داشتند، خواست‌های ملی‌گرایانه رهبری چین را برآورده نمی‌کرد به‌ویژه اینکه تاکید داشت پول‌چینی در قالب نهادهای چندجانبه بین‌المللی برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی به حرکت درآید (Freyman, 2021: 36). نیاز به یک طرح ملی جدید برای چین زمانی واضح‌تر شد که در سال ۲۰۱۱، دولت اواما از قصد خود برای ایجاد یک راه ابریشم

¹ Justin Yifu Lin



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



را اعلام کرد که می‌توانست در حوزه‌ای گسترده‌تر به چین امکان مقابله با سیاست‌مهار آمریکا را بدهد. در عمل هم مشخص شد که ابتکار احیای جاده ابریشم، علاوه بر تلاش برای گسترش راه‌های ارتباطی زمینی در غرب چین، به گسترش راه‌های ارتباطی دریایی در جنوب و شرق چین نیز توجه دارد.

۳-۳ متغیر رفتار سیاست‌ خارجی: گزینش ابتکار کمربند و راه

در همین زمان بود که اعلام راهبرد چرخش به آسیای آمریکا، بر مصمم شدن رهبران چین در پیگیری یک ابتکار بین‌المللی فعالانه بیشترین تاثیر را داشت و به تردیدها و اختلاف نظرها درباره چگونگی به کارگیری فعال تر منابع چین در محیط پیرامونی پایان داد. همان گونه که اشاره شد، چینی‌ها تصور می‌کردند که آمریکا از طریق راهبرد چرخش به آسیا تلاش می‌کند ضمن نزدیک شدن به همسایگان و شرکای تجاری اصلی چین و تأمین روابط وسیع نظامی و امنیتی با کشورهای آسیای شرقی به شکلی استراتژیک چین را مهار و احاطه کند و از استمرار پیشرفت چین جلوگیری نماید (McBride et al, 2023). باید توجه داشت که آمریکا پیش از این نیز تلاش کرده بود معماری امنیتی منطقه را مطابق منافع خود آرایش دهد اما به نظر می‌رسید پس از اعلام راهبرد چرخش به آسیا، یک ساختار امنیتی شبکه‌ای با هدف مهار چین شکل خواهد گرفت (درخشنده لزرسانی و شفیع، ۱۴۰۱: ۲۸).

ضمن اینکه چین به گسترش پیوندهای تدارکاتی در مرزهای خشکی غربی به شدت نیاز داشت. در این شرایط بود که رهبری جدید چین احساس کرد به یک طرح ملی جدید برای مقابله با سیاست‌مهار آمریکا و پیشبرد اولویت‌های مرتبط با خیزش قدرت این کشور نیازمند است. این موضوع، به یک مسئله کلیدی در بحث‌های سیاستی پیش از برگزاری کنگره هیجدهم حزب در نوامبر ۲۰۱۲ تبدیل شد. بدین ترتیب بود که رهبری چین به ایده‌ی احیای جاده ابریشم روی خوش نشان داد (Freymann, 2021: 34).

از منظر رویکرد نئوکلاسیک، دولت‌ها زمانی در خارج از کشور به توسعه و گسترش منافع ملی خود می‌پردازند که نخبگان سیاسی آنها درک کنند که قدرت‌نسی آنها بسط خواهد یافت (Zakaria, 1998: 38). بر این مبنا رهبری چین تلاش کرد تهدید برداشت شده از ناحیه راهبرد چرخش به آسیای آمریکا را با اقدامی متقابل که متضمن به کارگیری گسترده تر منابع قدرت خود در محیط پیرامونی بود، پاسخ دهد. بدین ترتیب می‌توان گفت که در این مقطع و در نظام آنارشیک بین‌المللی، هدف چین صرفاً تأمین امنیت در برابر تهدید پیش رو نبوده بلکه این کشور تلاش داشته است با تکیه بر منابع و توانمندی‌های انباشته خود، حضور پررنگ تری در محیط پیرامونی اش پیدا کند و مسیر خیزش قدرت خود را نیز هموار سازد.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مسیرهای دریایی، حلقه ای از پایگاه های نظامی متحدان واشنگتن را در اطراف محیط دریایی چین سامان ببخشد. تحلیل عملکرد چین در توجه راهبردی و تخصیص منابع به پروژه های کمربند و راه نیز نشان می دهد که این کشور منابع بیشتری را برای توسعه مسیرهای تدارکات دریایی و بندرها و اسکله ها، در مقایسه با راه های زمینی تخصیص داده است. به سخن دیگر، از نظر تخصیص منابع، راه ابریشم دریایی شاهد سرمایه گذاری ها و ابتکارات بیشتری از سوی دولت چین بوده است (Bradley et al., 2023).

راه ابریشم دریایی مجموعه گسترده ای از پروژه ها است که از آسیای جنوب شرقی شروع می شود و به جنوب شرقی اروپا منتهی می گردد. این ابتکار در آسیای جنوب شرقی، شامل تعدادی قابل توجهی از کریدورهای اقتصادی و ایجاد منطقه های ویژه همکاری اقتصادی و تجاری است. یک گزارش منتشر شده در سال ۲۰۱۹ نشان می دهد که در بین پروژه های در مرحله برنامه ریزی، مطالعه امکان سنجی، مناقصه، یا در حال ساخت در قالب ابتکار مذکور، اندونزی با جذب ۹۳ میلیارد دلار ۹۳ میلیارد دلار پیشتاز بوده و پس از آن ویتنام (۷۰ میلیارد دلار) و مالزی (۳۴ میلیارد دلار) قرار داشته اند (Jamrisko, 2019).

۳-۲ بهره گیری از کمربند و راه برای تقابل با راهبرد مهار آمریکا

همان طور که پیش از این اشاره شد، تحلیلگران چینی یک دینامیک استراتژیک رقابتی فزاینده بین ایالات متحده و چین در سراسر منطقه هند-پاسیفیک، به ویژه در جنوب شرق آسیا مشاهده می کنند. این یک دینامیک جدید نیست، زیرا تحلیلگران استراتژیک چین از دوران ریاست جمهوری اوپاما استدلال کرده اند که رقابت استراتژیک منطقه ای و تناقضات ساختاری از آن زمان شروع به افزایش کرده است. بسیاری از مقالات منتشر شده در چین، سیاست «چرخش به آسیا»ی اوپاما را اقدامی برای «مهار» چین البته به شکلی ظریف قلمداد کرده اند. در حالی که تحلیلگران چینی توجه دوباره آمریکا به جنوب شرق آسیا را به عنوان آغازگر راهبرد چرخش اوپاما می دانند، اکثر آنها بر این باورند که این رقابت تحت ریاست جمهوری ترامپ نیز ادامه یافته است (Shambaugh, 2021: 212).

بر این اساس، چین تلاش کرد در کل منطقه هند و اقیانوس آرام و به ویژه در شرق و جنوب شرق آسیا، به سرعت حضور و نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را گسترش بخشد. کارشناسان برجسته ای همچون دیوید شامبا بر این باورند که نقطه ثقل رقابت چین و ایالات متحده در منطقه جنوب شرق آسیا متمرکز شده است و در این منطقه، سرعت گسترش حضور و نفوذ چین از ایالات متحده پیشی گرفته



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



کشورهای شریک در ابتکار را در اکوسیستم خود قفل کرده و اطلاعات ضروری را از آنها جمع‌آوری کند و در راستای اولویت سیاستگذاری‌های خود و مقابله با سیاست‌مهار آمریکا استفاده نماید (Lew et al, 2021: 4).

نتیجه‌گیری

راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده از طریق استقرار مجدد بخش بزرگ نیروهای نظامی آمریکا در منطقه هند - اقیانوس آرام و حضور این کشور در نهادها و ساختارهای چندجانبه منطقه‌ای، نقش برجسته‌ای در تصمیم‌گیری رهبری چین در ورود به بزرگترین ابتکار بین‌المللی برای توسعه زیرساخت‌های ارتباطی در محیط پیرامونی‌اش داشت. همان‌گونه که مقاله نشان داد در این مقطع، چین به واسطه عبور موفق از بحران مالی و اقتصادی سال ۲۰۰۸، با انباشت منابع مالی و توانمندی‌های ساخت و ساز شرکت‌های داخلی خود روبرو بود و همزمان تلاش می‌کرد چارچوبی برای حضور فعال‌تر شرکت‌ها و سرمایه‌های چینی در محیط پیرامونی و حتی بین‌المللی را فراهم سازد. به نظر می‌رسد اعلام راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده، از یک سو، ادراکی جدی از تهدید به محاصره شدن چین توسط بزرگترین قدرت بین‌المللی را به همراه داشت و از سوی دیگر رهبران چین را مصمم کرد با تکیه بر بسیج حمایت‌های داخلی برای پروژه احیای قدرت ملی، از منابع انباشته شده داخلی برای پیشبرد یک ابتکار بلندپروازانه برای حضور فعال‌تر در عرصه بین‌المللی بهره‌برداری نمایند.

از این منظر می‌توان گفت راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده، نقطه عطفی بود که ادراک نسل جدید رهبری چین را از منابع و امکانات داخلی و تهدیدها و فرصت‌های پیش‌رو را به شدت شکل داد. این‌گونه بود که ابتکار احیای جاده ابریشم به عنوان امضای سیاست خارجی رهبر جدید چین، در مرکز توجه قرار گرفت و چین را وارد بزرگترین برنامه توسعه و تدارک زیرساخت‌هایی کرد که هدف نهایی آنها، تقویت مرکزیت چین در مجموعه اتصال‌های خشکی و دریایی ایجاد شده است. چین با این کار هم با تهدید ناشی از محاصره شدن مقابله می‌کند و هم همزمان فضای مانور خود را در محیط‌های پیرامونی‌اش به شدت گسترش می‌بخشد. همان‌گونه مقاله نشان داد پیش از اعلام راهبرد چرخش به آسیا، طرح‌ها و ایده‌های کمتر بلندپروازانه‌ای در راستای بهره‌گیری از منابع و امکانات انباشته داخلی چین در سطوح بالای رهبری چین مد نظر بود و بنابراین این گمانه قابل طرح است که در صورت عدم



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



عراقچی، عباس و سبحانی، مهدی (۱۳۹۱)، «تقابل سرد در آسیا؛ پیامد رویکرد نظامی جدید آمریکا در آسیا - پاسفیک»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۴، شماره ۴، صص ۳۵-۶۷.

کوهکن، علیرضا و عقلی دهنوی، الیاس (۱۳۹۸)، «یک‌کمر بند یک‌راه در سیاست خارجی چین و تاثیر آن بر رویکرد این کشور نسبت به خاورمیانه»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، دوره ۲، شماره ۲۳، صص ۲۱۷-۲۴۰.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۳)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.

موسوی، سید محمد علی، خدایی، اسفندیار (۱۳۹۵)، «روابط آمریکا و چین در خلیج فارس: همکاری یا تقابل»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۸، شماره ۱، ۶۱-۸۸.

Bower, E. Z., et al. (2015), Southeast Asia's Geopolitical Centrality and the U.S.-Japan Alliance. Rowman & Littlefield. <https://www.csis.org/analysis/southeast-asia%E2%80%99s-geopolitical-centrality-and-us-japan-alliance>

Bradley, J. (2015), The China Mirage: The Hidden History of American Disaster in Asia, London: Little Brown and Company.

Bradley C. et al. (2023), "Belt and Road Reboot: Beijing's Bid to De-Risk Its Global Infrastructure Initiative," AidData, November.

Calunsod, Ronron (2019), "China Rises to Become ASEAN's 'Most Important' Dialogue Partner," Kyoto News, August 5, 2019.

Castro, R. C. D., (2018), "21st Century U.S. Policy on an Emergent China: From Strategic Constraint to Strategic Competition in the Indo-Pacific Region", International Journal of China Studies, Vol. 9, No. 3, PP. 259-283.

Clinton, H. (2010, October 28), America's Engagement in the Asia-Pacific. U.S. Department of State, <https://2009-2017.state.gov/secretary/20092013clinton/rm/2010/10/150141.htm>

Clinton, H. (2011), "America's Pacific Century", Foreign Policy, (Nov 2011), Retrieved from: <https://foreignpolicy.com/2011/10/11/americas-pacific-century/>

Freyman, E. (2021), One Belt One Road Chinese Power Meets the World, London: Harvard University Asia Center.

Green, M., et al (2016), Asia-Pacific rebalance 2025: Capabilities, presence, and partnerships, Rowman & Littlefield.

Ishaque, W. (2022), "Analyzing United States Pivot to Asia and China's Global Rebalancing through Belt and Road Initiative (BRI)", NUST Journal of International Peace & Stability, Vol.5, No.3, PP. 31-45.

Jamrisko, Michelle (2019) "China No Match for Japan in Southeast Asia Infrastructure Race," Bloomberg, June 22, : <https://www.bloomberg.com/news/articles/2019-06-23/china-no-match-for-japan-in-southeast-asia-infrastructure-race>. Data cited in this article come from Fitch Solutions.

Junbo, Jian (2012) "Beijing's new overseas imperative", Asia Times Online, February 17

Khan, H. U., & Ali, S. (2022), "The Regional Comprehensive Economic Partnership (RCEP): an analysis of its potential benefits for China", Liberal Arts and Social Sciences International Journal (LASSIJ), Vol. 6, No.2, PP. 175-189. <https://doi.org/10.47264/idea.lassij/6.2.10>.



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Wester, Shay (2023), "Balancing Act: Assessing China's Growing Economic Influence in ASEAN", Asia Society Policy Institute, November 8.

<https://asiasociety.org/policy-institute/balancing-act-assessing-chinas-growing-economic-influence-asean>.

White House, (2011), Remarks by President Obama to the Australian Parliament, November 17. <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2011/11/17/remarks-president-obama-australian-parliamen>.

Whitlock, C. (2012), Washington Post, US –Australia to Broaden Military Ties Amid Pentagon Pivot to SE Asia, http://www.washingtonpost.com/world/national-security/us-to-expand-ties-with-australia-as-it-aims-to-shift-forces-closer-to-seasia/2012/03/19/gIQAPSXlcs_story.htm

World Bank, (2024), GDP growth (annual %) – China From 1961 to 2023, Date of extraction: 20/2/2024, Available at: [GDP growth \(annual %\) - China | Data \(worldbank.org\)](https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDPSV.LT.ZS?locations=CN)

World Integrated Trade Solution, (2024), China Product exports and imports to East Asia & Pacific From 2011 to 2022, Date of extraction: 19/8/2024, Available at: <https://wits.worldbank.org/CountryProfile/en/Country/CHN/Year/2021/TradeFlow/EXPIMP/Partner/EAS/Product/all-groups>

Zakaria, F. (1998), From Wealth to Power: the Unusual Origins of America World role, Princeton: Princeton University Press.

Zhao, M. (2021), "The Belt and Road Initiative and China–US strategic competition", China International Strategy Review, No.3, PP.248–260. <https://doi.org/10.1007/s42533-021-00087-7>

